

سه اصل بزرگ اسلام

تأليف

محمد تمیمی

مترجم

عبدالله حیدری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.kalemeh.tv

www.videofarsi.com

[فهرست]

- ۱ [فهرست]
- ۳ سخن مترجم
- ۹ اصل اول: شناخت پروردگار با دلایل
- ۱۵ اصل دوم: شناخت دین اسلام با دلایل
- ۲۱ اصل سوم: شناخت پیامبرمان حضرت محمد ﷺ است

سخن مترجم

بنام خداوند بخشنده دانا، مهربان توانا، یکتای بی‌همتا، بنام آنکه از هر نیازی بین نیاز است و جز او همه نیازمند بارگاه کرم اویند، و بنام آنکه همگان را بنده و برده آفرید اما برای خودش نه برای بندگان و بردگانی امثالشان، بنابراین، بندگی کردن ما بندگان عاجز برای ذات پاک او کمال شرافت و افتخار ماست که بهترین پیامبران برگزیده‌اش را با این لقب افتخار می‌بخشد.

نام علمی که چگونه بندگی کردن را می‌آموزد توحید است، تمام پیامبران و کتابهای آسمانی یک مسؤلیت داشته‌اند و آن تحقق توحید بوده است، اولین مراحل توحید شناخت پروردگار و دیگر اصول اعتقادی است، مهمترین و پاک‌ترین و مقدس‌ترین کتاب توحید قرآن کریم است، سپس در تمام کتابهای حدیث کتاب یا باب مستقلی در باره توحید آمده است، تألیفات مستقلی که در این باره شده بی‌شمار است.

رساله کوچکی که در دست دارید متن مختصر و مهمی در این علم شریف است. این متن ارزشمند در قرن دوازدهم هجری قمری توسط یکی از علماء و دعوتگران اسلامی تهیه شده است.

چیزی که به اهمیت این کتابچه می‌افزاید این است که سه اصل مذکور همان سه پرسشی است که شب اول در قبر همه انسانها با آن روبرو هستند از جمله من و شما آیا شما آمادگی دارید؟ خداوند برای همه آسان بگرداند، آمین.

چند سال پیش فرصتی دست داد که آنرا در مرحله متوسط تدریس کنم، از آنزمان تا کنون اهمیت آن در دلم بود و آرزو داشتم آنرا به فارسی بر گردانم که اینک به لطف خداوند در دسترس شما عزیزان قرار دارد.

امیدوارم مؤلف و این برادر ناچیزتان را از دعای خیر فراموش نفرمائید. خداوند یار و نگهدارتان باد.

لازم به تذکر است که تیترها از سوی مترجم اضافه شده است.

دعاگو

عبدالله حیدری

۸۱/۳/۷ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدایت رحمت کناد: بدان که آموختن چهار چیز بر ما واجب است:

اول: علم، که عبارت از شناخت خداوند و شناخت پیامبرش ﷺ و شناخت دین اسلام با دلایل است.

دوم: به آن عمل کردن.

سوم: به سوی آن دعوت نمودن.

چهارم: صبر در برابر مشکلاتی که در این راه پیش خواهد آمد.

دلیل آنچه گفتیم: این فرموده خداوند متعال است که: ﴿وَالْعَصْرُ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي

خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۝﴾

«سوگند به روزگار، که بیگمان انسان در زیانکاری است، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند، و کارهای شایسته کرده‌اند، و همدیگر را به حق سفارش کرده‌اند و همدیگر را به شکیبایی سفارش کرده‌اند». امام شافعی رحمته می‌فرماید: اگر خداوند جز این سوره هیچ برهان دیگری بر مخلوقاتش فرود نمی‌آورد همین سوره برای آنان کافی بود.

امام بخاری رحمته در صحیح بخاری می‌فرماید:

«باب: العلم قبل القول والعمل»

این باب در باره آموختن علم قبل از گفتن و عمل کردن است.

زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ﴾ [محمد: ۱۹].

«پس بدان که جز خدا هیچ معبود برحق نیست و برای گناهانت طلب مغفرت کن».

می‌بینیم که قبل از گفتن و عمل کردن به فرا گرفتن علم امر فرموده است.

پس خدایت رحمت کناد، بدان که آموختن مسائل سه‌گانه ذیل بر هر زن و مرد

مسلمان واجب است:

مسأله اول: اینکه خداوند ما را آفریده و پرورش داده و روزی داده اما بیهوده نگذاشته است بلکه برای هدایت ما پیامبری فرستاده است که هرکس از او پیروی کند داخل بهشت، و هرکس نافرمانی‌اش را کند وارد دوزخ خواهد شد. لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً ﴿١٦﴾﴾ [المزمل: ۱۵-۱۶].

«ما به سوی شما پیامبری فرستاده ایم که بر شما گواه است همچنانکه به سوی فرعون هم پیامبری فرستادیم، اما فرعون از آن پیامبر نافرمانی کرد، لذا او را به گیر و داری سخت فرو گرفتی.»

مسأله دوم: اینکه خداوند هرگز راضی نخواهد بود که بنده‌ای، هیچ احدی را با او در عبادتش شریک گرداند، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسلی را، لذا می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾﴾ [الجن: ۱۸].

«واینکه همه مسجدها خاص خداوند است، پس باخداوند هیچ احدی را (به عنوان پرستش) مخوان.»

مسأله سوم: اینکه کسی که خدا را به یگانگی بشناسد و از پیامبرش اطاعت کند هرگز برای او جائز نیست که با کسانی که با خدا و رسولش دشمن هستند دوستی برقرار کند حتی اگر نزدیکترین خویشاوندانش باشند.

لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾﴾ [المجادلة: ۲۲].

«قومی را که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند نیابی که با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می‌ورزند دوستی کنند و لو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان، یا برادرانشان یا خاندانشان باشند، اینانند که - خداوند - در دل‌هایشان - نقش - ایمان نگاشته است، و به فیضی از جانب خویش استوارشان داشته است، و - ایشانرا - به بوستانهایی در آورد که جویباران از فرودست آنها جاری است، جاودانه در آند، هم خداوند از آنان خشنود، وهم آنان از او خشنودند، اینان لشکر خدایند، بدانید که لشکر خدا همانانند رستگاران».

خدایت به طاعتش راه بنماید: بدان که دین حنیف ابراهیمی این است که خدا را به یگانگی و با اخلاص و یکرنگی بپرستی این است آن هدفی که خداوند همه مردم را برای تحقق آن آفریده و بدان امر فرموده است، چنانکه می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«جن و انس را جز برای آنکه مرا پرستند نیافریده‌ام».

معنی (یعبدون) در آیه (یوحدون) است، یعنی مرا به یکتایی پرستند، بزرگترین و مهمترین چیزی که خداوند بدان امر فرموده توحید است، و توحید یعنی خدا را به یکتایی پرستیدن، و بزرگترین چیزی که از آن باز داشته شرک است، و شرک یعنی کس یا چیز دیگری را با او به عنوان پرستش خواندن، لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶].

«و خدا را پرستید و چیزی را با او شریک نکنید».

اگر از تو پرسیده شود: اصول سه‌گانه‌ای که شناخت آن بر هر انسانی واجب است

چیست؟

بگو: ۱- شناخت پروردگار ۲- شناخت اسلام که دین پسندیده پروردگار است و ۳-

اصل اول: شناخت پروردگار با دلایل

اگر از تو پرسیده شود که پروردگارت کیست؟ بگو پروردگارم ذاتی است که با نعمتهای فراوانش مرا و سایر جهانیان را آفریده و پرورش داده است، او یگانه معبود من است که جز او هیچ معبودی ندارم، لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

«هرگونه ثناء و ستایشی ویژه پروردگار عالمیان است.»

جز خود پروردگار هر صنف دیگری در این جهان برای خودش عالمی است که من نیز جزوی از یک عالم هستم.

اگر از تو پرسیده شود:

پروردگارت را چگونه شناختی؟ بگو: با آیات و مخلوقاتش، از جمله می‌توان به شب و روز و خورشید و مهتاب به عنوان نمونه‌ای از آیات، و به آسمانها و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و در بین آنهاست به عنوان نمونه‌ای از مخلوقات خدای بزرگ اشاره کرد لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾﴾ [فصلت: ۳۷].

«و از نشانه‌های قدرت او شب و روز و خورشید و ماه است، خورشید و ماه را سجده نکنید، بلکه خداوند را که آنها را آفریده است سجده کنید.»

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ يُعْشَىٰ اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَيْثُ وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾﴾ [الأعراف: ۵۴].

«همانا پروردگار شما خداوند است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش - چنانکه خود می‌داند - قرار گرفت، شب را به روز - و روز را به شب - می‌پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را - آفرید - که رام شده فرمان اویند، بدانید که خلق و امر صرفا از آن اوست، با برکت است خدایی که پروردگار جهانیان است».

پروردگار همان معبود بر حق جهان است لذا می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾
الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ
رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾﴾ [البقرة: ٢١-٢٢].

«ای مردم پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده است بپرستید تا پرهیزگار شوید، آنکه زمین را - همچون- زیر انداز و آسمان را - همچون- سر پناه شما کرد، و از آسمان آبی فرو فرستاد، آنگاه بدن- انواع- میوه‌ها برای روزی شما بر آورد، پس آگاهانه برای او همتا نیاورید».

ابن کثیر رحمته الله می‌فرماید:

«خالق و آفریدگار همه این مخلوقات یگانه ذاتی است که شایسته و مستحق پرستش است».

انواع عبادتهایی که خداوند دستور انجام آنها صادر فرموده از قبیل (اسلام و) ایمان و احسان، خوف و رجاء، دعاء و توکل، شوق و حذر، خشوع و خشیت، انابت و استعانت، استعاذت و استغاثت ذبح و نذر و دیگر عبادیهایی که خداوند به آن امر فرموده همه ویژه پروردگار یکتا است. لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾﴾ [الجن: ١٨].

«و اینکه همه مسجدها خاص خداوند است پس با خداوند هیچ‌کس را به عنوان پرستش

مخوان».

پس کسی که این عبادتها یا جزئی از آنها برای غیر خدا انجام دهد مشرک و کافر است، لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۷].

«و هرکس با خداوند خدایی دیگر بپرستد که در این کار حجتی ندارد، جز این نیست که حسابش با پروردگارش است، آری کافران رستگار نمی‌شوند». و در حدیث آمده است «الدعاء مع العبادة» «دعاء مغز عبادت است». لذا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾﴾ [غافر: ۶۰].

«و پروردگارتان گوید مرا به دعا خوانید تا برایتان اجابت کنم، بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند به زودی با خواری وارد دوزخ خواهند شد».

دلیل خوف: این ارشاد الهی است:

﴿فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۵].

«پس از آنان ترسید و از من بترسید اگر مؤمن هستید».

دلیل امید: این ارشاد باری است:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۱۱۰].

«حال هر آنکس که امید به لقای پروردگارش بسته است، باید کار نیکو پیشه کند و در پرستش پروردگارش کسی را شریک نیارود».

دلیل توکل: این فرموده باریتعالی است:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳].

«و بر خدا توکل کنید اگر مؤمن هستید».

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳].

«پس هرکس بر خدا توکل کند همو وی را کافی است.»

دلیل شوق و حذر و خشوع: این ارشاد باری است:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْحَيَرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَشِيعِينَ﴾ [الأنبياء: ۹۰].

«زیرا آنها در کارهای خیر تعجیل میکردند و در حال بیم و امید ما را می خواندند و همیشه به درگاه ما خاضع و خاشع بودند.»

دلیل خشیت: این فرموده باری است:

﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي﴾ [البقرة: ۱۵۰].

«پس از آنان مترسید و از من بترسید.»

و دلیل انابت: این ارشاد الهی است:

﴿وَأَنْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ﴾ [الزمر: ۵۴].

«به سوی پروردگارتان باز آید و در برابر او تسلیم شوید.»
در حدیث آمده است:

«وإذا استعنت فاستعن بالله.»

«و هرگاه یاری خواستی از خدا یاری بجوی.»

دلیل استعاذت: این ارشاد باری است:

(قل أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ) (سوره الناس).

«بگو به پروردگار مردم پناه می برم فرمانروای مردم.»

دلیل استغاثه: این فرموده خداوندی است:

﴿إِذْ تَسْتَعِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ﴾ [الأنفال: ۹].

«هنگامی را به یاد آورید که به پروردگار تان استغاثه و زاری می کردید و او دعای شما را اجابت کرد.»

دلیل ذبح: این ارشاد خداوندی است:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٦﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٧﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

«بگو نماز و نیایش من و زندگانی و مرگ من، برای خدا است که پروردگار جهانیان است.»

در حدیث آمده است:

«لعن الله من ذبح لغير الله.»

«خداوند لعنت کند کسی را که برای غیر خدا ذبح کند.»

دلیل نذر: این فرموده خداوند متعال است:

﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾﴾ [الإنسان: ۷].

«(آن بندگان نیکو) به نذر و عهد خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شر سختیش

همه اهل محشر را فرا گیرد می‌ترسند.»

اصل دوم: شناخت دین اسلام با دلایل

دین اسلام یعنی تسلیم شدن برای خدا که او را به یکتایی پرستی، و از او امرش پیروی کنی، و از شرک بیزاری جوئی. و آن سه درجه دارد:

اسلام، و ایمان و احسان، که هر درجه‌ای از خودش ارکانی دارد.

درجه اول: اسلام است که پنج رکن دارد:

۱- گواهی دادن به اینکه جز خدای یگانه هیچ معبود برحق نیست، و اینکه محمد ﷺ رسول خدا است.

۲- برپاداشتن نماز. ۳- دادن زکات. ۴- و روزه ماه مبارک رمضان. ۵- وحج بیت الله

الحرام.

دلیل رکن اول: این فرموده خداوند متعال است:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸].

«خداوند که در دادگری استوار است و فرشتگان و عالمان - راستین - گواهی می‌دهند که معبود برحق جز او نیست. آری جز او که پیروزمند فرزانه است معبود برحق نیست.»

کلمه ﴿لَا إِلَهَ﴾ همه آنچه را که جز خدا پرستیده می‌شود نفی می‌کند و ﴿إِلَّا اللَّهُ﴾ هرگونه عبادتی را صرفاً برای خدای یکتا و لاشریک ثابت می‌کند. خدایی که در پرستش او هیچ شریکی نیست، کما اینکه در ملک او هیچ شریک و همتایی نیست، آنچه این مطلب را واضح و آشکار بیان می‌کند این فرموده خداوند متعال است:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ﴿۳۶﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿۳۷﴾﴾ [الزخرف: ۲۶-۲۷].

«ای رسول ما به یاد آور وقتی را که ابراهیم به پدر خود و قومش گفت ای بت پرستان، من از معبودان شما سخت بیزارم جز آن خدایی را که مرا آفریده و البته مرا هدایت خواهد کرد نمی پرستم و این خدا پرستی (و توحید) را در همه ذریت او تا قیامت کلمه باقی گردانید تا همه فرزندان (به خدای یکتا) رجوع کنند».

و همچنین این ارشاد خداوند بزرگ:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۶۴].

«بگو ای اهل کتاب بیاید تا بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچگونه شریکی نیاوریم و هیچ کسی از ما دیگری را بجای خداوند به خدایی برنگیرد، و اگر رویگردان شدند بگویند شاهد باشید که ما فرمانبرداریم».

و دلیل گواهی دادن اینکه محمد ﷺ رسول خدا است این ارشاد خداوندی است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸].

«به راستی که پیامبری از میان خودتان به سوی شما آمده است که هر رنجی که شما می برید برای او گران می آید، سخت هواخواه شماست و به مؤمنان رؤوف و مهربان است».

معنای گواهی دادن به اینکه محمد رسول خداست این است که در هر آنچه ما را امر فرموده از ایشان اطاعت کنیم، و به هر آنچه خبر داده یقین و باور داشته باشیم، و از هر آنچه ما را باز داشته باز ایستیم، و اینکه پرستش خدا جز به روشی که ایشان بیان فرموده اند انجام نگیرد.

و دلیل نماز و زکات و تفسیر درست توحید: در این آیه کریمه متبلور است:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾ [البينة: ۵].

«جز این فرمان نیافته بودند که خداوند را بپرستند و پاکدینانه، دین خود را برای او خالص دارند و نماز را برپادارند، وزکات را بپردازند، و این دین استوار است.»

دلیل روزه: این آیه کریمه است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

«ای مؤمنان! بر شما روزه فرض گردیده همچنانکه بر کسانی که پیش از شما بودند فرض شده بود، تا که تقوا پیشه کنید.»

ودلیل حج: این ارشاد الهی است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

«و خدای را بر مردم حج خانه‌ی کعبه فرض است البته بر هرکسی که توانایی رسیدن به آنجا را داشته باشد و هرکس که کفر (و انکار) ورزد (بداند که) خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.»

درجه دوم:

ایمان است که هفتاد و چند شاخه دارد که بلندترین آن گفتن لا اله الا الله و پایین‌ترین آن دورکردن اسباب اذیت از راه است، و حیاء شاخه‌ای از ایمان است.

ارکان آن شش تا است: اینکه به خدا و فرشتگان و کتابها و پیامبران الهی و همچنین به روز قیامت و تقدیر اعم از خوب و بد آن ایمان داشته باشی.

دلیل ارکان ششگانه مذکور: این ارشاد خداوندی است:

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَن تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

«نیکی آن نیست که رویتان را به سوی مشرق و مغرب آورید بلکه نیکی آن است که بنده به خداوند و روز بازپسین و فرشتگان و کتب آسمانی و پیغمبران ایمان داشته باشد.»

و دلیل تقدیر: این ارشاد خداوندی است:

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹].

«ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.»

درجه سوم:

احسان است که فقط یک رکن است، و آن اینکه خدا را طوری پرستی که گویا او را می‌بینی، چون اگر تو او را نمی‌بینی یقیناً او ترا می‌بیند، بدلیل این فرموده خداوند که:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ [النحل: ۱۲۸]

«به درستیکه خداوند با پرهیزگاران و نیکو کاران است.»

و این ارشاد الهی:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ [الذی یرنک حین تقوم ﴿۱۳۸﴾ وَتَقَلِّبْكَ فِي السَّجْدِینَ ﴿۱۳۹﴾ إِنَّهُ

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۴۰﴾ [الشعراء: ۲۱۷-۲۲۰].

«و بر(خداوند) پیروزمند مهربان توکل کن همان که تورا به هنگامی که (برای عبادت) برمی‌خیزی می‌بیند و نیز تحولت را در(نماز از حالتی به حالت دیگر) میان نمازگذاران، چراکه او شنوای دانا است.»

و همچنین این فرموده خداوند بزرگ:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ

شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ﴾ [یونس: ۶۱].

«ای رسول ما (بدان که تو) در هیچ حالی نباشی و هیچ آیه‌ای از قرآن تلاوت نکنی و به

هیچ عملی تو و امت وارد نشوید مگر آنکه ما همان لحظه شمارا مشاهده می‌کنیم.»

و دلیل از سنت: حدیث مشهور جبریل است که از عمر بن خطاب رضی الله عنه نقل شده که

فرمودند:

«بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يُرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ، وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبِرْنِي عَنِ الْإِسْلَامِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِسْلَامُ: أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا. قَالَ: صَدَقْتَ. فَعَجِبْنَا لَهُ يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ! قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ. قَالَ: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ، وَمَلَائِكَتِهِ، وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ. قَالَ: صَدَقْتَ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ. قَالَ: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ. قَالَ: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا. قَالَ: أَنْ تَلِدَ الْأُمَّةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحُفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ الشَّيْءِ يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ. ثُمَّ انْطَلَقَ فَلَبِثْتُ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ: يَا عُمَرُ، أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ: إِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يَعَلِّمُكُمْ أَمْرَ دِينِكُمْ».

«درحالی که ما خدمت پیامبر ﷺ نشستیم بودیم ناگهان مردی بر ما ظاهر شد که لباسهایش به شدت سفید و موهایش شدیداً سیاه بود، هیچ نشانه ای از آثار سفر بر او دیده نمی شد و نه هم کسی از ما او را می شناخت، جلو پیامبر ﷺ همچنانکه پیامبر نشستند دو زانو نشست و زانوهایش را به زانوهای ﷺ چسپاند و دستهایش را بر رانهایش گذاشت و گفت: ای محمد از اسلام مرا خبرده فرمودند: اینکه گواهی دهی که هیچ معبود بر حقی جز خدای یگانه وجود ندارد و اینکه محمد فرستاده خداست، و نماز را برپاداری و زکات بپردازی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر توانایی داشتی حج خانه خدا کنی گفت: راست گفتی، تعجب کردیم که چگونه هم از ایشان می پرسد و هم تصدیق می کند، گفت: از ایمان مرا خبر ده؟ فرمودند: اینکه به خدا و فرشتگان و کتابها و رسولانش و به روز قیامت و به تقدیر اعم از خیر و شر آن ایمان و باور داشته باشی، گفت: از احسان مرا خبرده فرمودند: اینکه خدا را طوری بپرستی که گویا او را می بینی چون اگر تو او را

نمی‌بینی او قطعاً ترا می‌بیند، گفت: از قیامت مرا خبر ده فرمودند: در این باره سؤال شونده از سؤال کننده بیشتر نمی‌داند، گفت: از نشانیهای آن مرا خبر ده، فرمودند: اینکه کنیز ارباب خودش را بزاید، و اینکه ببینی چوپانان تنگدست با پای لخت و عریان در ساختمانها بریکدیگر فخر می‌ورزند، راوی می‌گوید: آنگاه راهش را کشید و رفت، ما اندکی درنگ کردیم آنگاه حضرت فرمودند: ای عمر! آیا می‌دانید سؤال کننده کی بود؟ گفتیم خدا و رسولش داناترند، فرمودند: این جبریل بود که آمد تا امر دیتان را به شما بیاموزاند.»

اصل سوم: شناخت پیامبرمان حضرت محمد ﷺ است

ایشان محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم هستند که هاشم از قریش و قریشی‌ها عرب و از نسل حضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم خلیل - علیه و علی نبینا أفضل الصلاة و أتم التسليم - هستند، ایشان شصت و سه سال عمر کردند، که چهل سال آن پیش از بعثت و بیست و سه سال دیگر زندگی بعثت بود، ایشان پیامبر و رسول بودند، با (إقرأ) نبوت و با (مدثر) رسالت به ایشان ابلاغ شد، که در آن زمان در مکه تشریف داشتند، خداوند ایشان را فرستاد تا که مردم را از شرک باز داشته و به سوی توحید و یکتا پرستی بخواند، بدلیل این ارشاد خداوندی که:

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾ وَلَا تَمُنْ بِتَسْكَتِكُمْ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾﴾ [المدثر: ١-٧].

«ای مرد جامه بر خود پچیده! برخیز و هشدار ده و پروردگارت را تکبیر گوی و دامت را پاکیزه بدار و از آرایش - شرک - بپرهیز و بخششی مکن که پاداش بزرگتر بخواهی و در راه پروردگارت شکیبایی کن.»

معنای: ﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ یعنی از شرک بترسان و به سوی توحید فراخوان، و ﴿وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ﴾ یعنی باتوحید و یکتا پرستی او را تعظیم کن و بزرگ بدار و ﴿وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾ یعنی اعمال خویش را از شرک پاک گردان، ﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ رجز یعنی بتها، وترک بتها یعنی بیزاری از بتها و بت پرستان.

ده سال تمام به همین منوال مردم را بسوی توحید می خواندند، پس از ده سال ایشان به معراج یعنی آسمان فراخوانده شدند و نمازهای پنج گانه فرض گردید، سه سال در مکه نماز خواندند، و سپس مأمور گردیدند که به مدینه هجرت کنند هجرت از سرزمین شرک به سرزمین اسلام منتقل شدن است.

هجرت بر این امت فرض است که از سرزمین شرک به سرزمین اسلام کوچ کنند و این فریضه تا قیامت ادامه دارد، (حدیث لا هجرة بعد الفتح تفصیلی دارد. مترجم).

به دلیل: این فرموده خداوند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا ﴿٩٩﴾﴾ [النساء: ۹۷-۹۸].

«کسانی که فرشتگان جانشان را می گیرند، درحالیکه آنان بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حال بودید؟ گویند ما در سرزمین خود مستضعف بودیم گویند آیا سرزمین خداوند فراخ نبود که بتوانید در آن _ به هرکجا که خواهید_ هجرت کنید؟ سرا و سر انجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که نمی توانند چاره ای ببندیشند و راه به جایی نمی برند، اینان را باشد که خداوند ببخشد، و خداوند بخشننده آمرزگار است.»

و به دلیل: این ارشاد خداوندی:

﴿يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّيَّ فَاعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾﴾ [العنكبوت: ۵۶].

«ای بندگان من که ایمان آورده اید! بدانید که زمین من گسترده است پس فقط مرا بپرستید.»
امام بغوی رحمته می فرماید:

«سبب نزول این آیه مسلمانانی هستند که در مکه بودند و هنوز هجرت نکرده بودند خداوند آنانرا اهل ایمان خطاب فرمود.»

و دلیل بر هجرت از سنت نبوی: این فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که:

«لا تَنْقَطِعُ الْهَجْرَةُ حَتَّى تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ، وَلَا تَنْقَطِعَ التَّوْبَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ

مَغْرِبِهَا.»

«هجرت قطع نمی‌شود تا زمانیکه توبه قطع شود و توبه قطع نمی‌شود تا اینکه خورشید از مغرب طلوع کند».

هنگامی که پیامبر ﷺ در مدینه مستقر گردیدند به بقیه احکام اسلام نیز مأموریت یافتند، مثل زکات و روزه و حج و اذان و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و احکام دیگر.

ده سال در این راستا جانفشانی کردند تا اینکه وفات نمودند -صلوات الله و سلامه علیه- اما دین ایشان قائم و دائم خواهد بود خلاصه‌اش این است که هیچ خیری نبوده مگر اینکه امت را بدان راهنمایی فرموده و هیچ شری نبوده مگر اینکه امت را از آن برحذر داشته است، بزرگترین خیری که مردم را بدان راهنمایی فرموده اول توحید است و بعد هر آنچه که خداوند آن را دوست دارد و می‌پسندد، و بدترین شری که امت را از آن برحذر داشته اول شرک است و بعد هر آنچه که خداوند آنرا ناپسند می‌دارد، خداوند ایشان را به سوی همه انسانها و جنات فرستاده و اطاعت ایشان را بر همگان فرض گردانیده است.

دلیلش: این ارشاد خداوندی است:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ [الأعراف: ۱۵۸].

«بگو ای مردم بدرستی که من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم».

و خداوند دین را بوسیله ایشان تکمیل فرموده چنانکه می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

[المائدة: ۳].

«امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم و نعمتم را بر شما تمام کردم و دین اسلام را

برای شما پسندیدم».

دلیل وفات حضرتش: این ارشاد خداوند است:

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ ﴿۳۰﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿۳۱﴾﴾ [الزمر: ۳۰].

« - ای رسول عزیز ما - شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دنیا خواهید رفت آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش داد خواهی می کنند.»

بطور قطع انسانها پس از مردن برانگیخته خواهند شد.

به دلیل اینکه: خداوند متعال می فرماید:

﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿۵۵﴾﴾ [طه: ۵۵].

«از آن (خاک) شما را آفریده ایم و به آن بازتان می گردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می آوریم.»

و نیز می فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿۱۷﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿۱۸﴾﴾ [نوح: ۱۷-۱۸].

«و خداوند شما را مانند گیاهی از زمین رویاند سپس شما را به آن باز می گرداند و به بیرون آوردنی شما را بیرون می آورد. و آنگاه پس از برانگیخته شدن و مطابق آنچه عمل کرده اند پاداش داده خواهند شد.»

لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ﴿۳۱﴾﴾ [النجم: ۳۱].

«و آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند است، تا سرانجام بدکرداران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکو کاران را به پاداش نیکو (بهشت) جزا دهد.»

کسی که منکر برانگیخته شدن بعد از مرگ باشد کافر است.

به دلیل اینکه: خداوند متعال می فرماید:

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشَبَعْتُ لِمَا لَشَبَّونَ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكِ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [التغابن: ۷].

کافران پنداشته‌اند که هرگز برانگیخته نمی‌شوند، بگو آری سوگند به پروردگارم که برانگیخته خواهید شد سپس از (حقیقت) آنچه کرده اید آگاهتان کند و این بر خداوند آسان است.»

خداوند متعال همه پیامبران را مبعوث فرموده است تا آنکه مژده دهنده و بیم‌دهنده باشند.

به دلیل اینکه می‌فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَىٰ اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ [النساء: ۱۶۴].

«پیامبرانی - فرستادیم - که مژده دهنده و بیم دهنده‌اند، تا آنکه برای مردم - پس از آمدن پیامبر - هیچ عذرو بهانه‌ای نماند.»

اولین پیامبر حضرت نوح و آخرین آنان حضرت محمد ﷺ است که ایشان خاتم پیامبران هستند.

دلیل اینکه: حضرت نوح عليه السلام اولین پیامبر است این ارشاد خداوندی است:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [النساء: ۱۶۳].

«ما به تو وحی فرستادیم همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم.»

از نوح عليه السلام محمد عليه السلام هر پیامبری که بسوی هر قوم و امتی فرستاده شده آنان را به پرستش خدای یکتا فراخوانده و از پرستش طاغوت باز داشته است.

به دلیل: اینکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶].

«و به راستی که در میان هر امت پیامبری برانگیختیم (تا بگویند) که خداوند را پرستید و از طاغوت پرهیز کنید.»

خداوند بر همه بندگان ایمان به خدا و کفر به طاغوت را واجب گردانیده است. ابن قیم رحمته می فرماید: (معنی الطاغوت ماتجاوز به العبد حده من معبود او متبوع او مطاع)

«معنای طاغوت این است که بنده در پرستش معبود یا اتباع متبوع یا اطاعت مطاعی از حد مجاز بگذرد».

طاغوتها زیادند که در رأس همه پنج تا قرار دارد:

۱- ابلیس ملعون ۲- کسی که پرستیده شود و او از این عمل راضی باشد ۳- کسی که مردم را به پرستش خودش ترغیب کند ۴- کسی که دانستن جزئی از علم غیب را مدعی باشد. ۵- و کسی که خلاف حکم خداوند حکم کند (حکم به غیرما انزل الله).

لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶].

«در کار دین اکراه روا نیست چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خداوند ایمان آورد به راستی که به دستاویز استواری دست زده است که گسستی ندارد و خداوند شنوای داناست».

و معنای لا إله إلا الله همین است، در حدیث است که: «رَأْسُ الْأَمْرِ: الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

«در رأس همه امور اسلام قرار دارد، ستون آن نماز و قله افتخارات آن جهاد فی سبیل الله است».

والله أعلم.